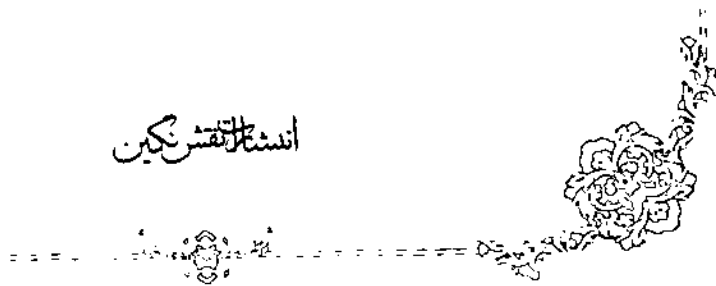


دیوان رفیع اصفہانی

جواد رفیعی

تصحیح و شرح متن
عصمت السادات رفیعی

انشات الفشنگین



کتاب: دیوان رفیع اصفهانی / تصحیح و شرح متن عصمت السادات رفیعی - اصفهان: نقش نگین: ۱۳۹۱
کتاب: مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، ۱۳۹۱
ISBN: 978-600-6286-55-6
۳۵۱ ص

موضوع: ١. شعر فارسي -- قرن ١٤. ٢. شعر مذهبي -- قرن ١٤. الف. رقيقى، عصمت

ALF3/62

YETYYES

کتابخانه ملی ایران



سید جواد رفیعی

تصحیح و شرح متن: عصمت السادات رفیعی



ناشر: نقشبہ نگین □ ناشرہمکار: کہن در، امام عصر (عج)

مدیر تولید: مهدی نقش □ صفحه‌آرا: مهدی نحوی

طرح جلد: ندا نقیہ □ نویت چاپ: اول، ۱۳۹۱

حباب: حافظ □ صحافی: شرکت تعاونی بہارنگین

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه □ شابک: ۹۷۸-۶-۰۰-۶۲۸۶-۵۵-۶

قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال

حقوق چاپ محفوظ است.

اصفهان / خیابان حکیم / ساخقان دقیق / پلاک ۱۱۶

تلفظ: ۶۱-۷۰-۲۳۳۶۲۶۲ : ۲۲۰۶۹۳۳ : ۶۱-۷۰-۲۳۳۶۲۶۲

Email: Naghshnegin@gmail.com WWW.Naghshnegin.com

فهرست مطالب

۴۰	بیست و دو بهمن	۹	پیشگفتار
۴۱	بلبل باغ	۱۵	بیوگرافی
۴۲	بارگاه حُسن		شرح حال زندگی مرحوم حاج سید جواد رفیعی
۴۳	با خبر باش	۱۵	پدر شهید سید حسن رفیعی
۴۵	بشارت برآمد		فراری چند از وصیت نامه رزمنده شهید سید
۴۶	بسوزد شمع	۱۶	حسن رفیعی
۴۷	بلبل افسرده	۲۱	دو مکاشفه و کرامت در دوران کودکی شهید
۴۸	با عود و عطر آید	۲۲	غزلیات
۴۹	بوته و پستان	۲۵	انسیری شایدم
۴۹	به کام ما	۲۵	اشک بصر
۵۱	به نام ذات حق	۲۷	اعجاز خدایی
۵۱	بهار عمر	۲۷	اقتدار مقتدر
۵۳	پیر خرابات	۲۸	اقراء
۵۳	پرستوی مهاجرم	۲۹	الطاف خداوندی
۵۵	پنجره غم	۳۰	امان نامه
۵۵	پهلوی شکسته	۳۱	اسدی ز آل عمران
۵۷	پند شیطان	۳۲	أهوی گم گشته
۵۸	پرده اسرار	۳۳	آل طاهرا
۵۸	تربت خونبار	۳۴	آتش نای
۵۹	تو بختی آش	۳۶	آب حیات
۶۱	تیغ زمان	۳۶	با دو رنگی
۶۱	تحمل خار	۳۷	بانگ رحیل
۶۲	جنون العاشقین	۳۸	باده نوشان
۶۳	جسم خاکی	۴۰	بهر شهید

۱۰۰.....	رکاب معشوق.....	۶۴.....	چگر بر تابه.....
۱۰۰.....	زهی سعادت بختم.....	۶۵.....	جشن فرخنده.....
۱۰۲.....	ز نیش نی قلم.....	۶۶.....	جام جم.....
۱۰۲.....	ز لعل باده فروشان.....	۶۷.....	چرا ای گل؟.....
۱۰۳.....	سودای دل.....	۶۸.....	چراغ عشق.....
۱۰۵.....	سیهر آسمان.....	۷۱.....	چگونگی من روم شهر مدینه.....
۱۰۵.....	سبو بر پشت خود.....	۷۱.....	حجاب چشم.....
۱۰۶.....	بیز دل.....	۷۲.....	حدیث دیگری.....
۱۰۸.....	سر گیسوی تو.....	۷۳.....	حق بگو.....
۱۰۹.....	سرمه چشمان.....	۷۴.....	حق دعا.....
۱۱۰.....	سر روان.....	۷۵.....	حجاب عفت.....
۱۱۱.....	سفر کرده.....	۷۶.....	حباب لعل.....
۱۱۱.....	شیوه آل عبا.....	۷۷.....	حدیث محفل.....
۱۱۲.....	شعله شمع.....	۷۸.....	خال لب.....
۱۱۳.....	شاه نجف.....	۸۰.....	خال لیش.....
۱۱۴.....	شبایم رفته.....	۸۰.....	خزان.....
۱۱۶.....	شعله عشق.....	۸۱.....	خلوت معشوق.....
۱۱۶.....	شکر شعر.....	۸۲.....	خطبه شادی.....
۱۱۷.....	شب یلدا.....	۸۳.....	خلوتی را طالبیم.....
۱۱۹.....	شراب دم ساله.....	۸۵.....	خورشید سحر.....
۱۱۹.....	شکسته دل.....	۸۵.....	خال نرگس.....
۱۲۱.....	شهر عاشقان.....	۸۶.....	خوش آن.....
۱۲۲.....	شود عاشقی.....	۸۷.....	در مذهب ما.....
۱۲۲.....	شمع سوخته.....	۸۸.....	دریای پر تلاطم.....
۱۲۳.....	شب زفاف.....	۸۹.....	دریای عشق.....
۱۲۵.....	شوکت رهبر.....	۹۰.....	دریچه دل.....
۱۲۷.....	صاحب پیمان.....	۹۱.....	دست تقدیر.....
۱۲۸.....	صبح صادق.....	۹۳.....	دل سودا زده.....
۱۲۸.....	صراحی.....	۹۳.....	دل رمیده.....
۱۳۰.....	صدف سینه.....	۹۵.....	دیوار غم.....
۱۳۰.....	صفای اصفهان.....	۹۵.....	دایره عشق.....
۱۳۲.....	طیب درد.....	۹۶.....	دریای غم.....
۱۳۳.....	طیب عشق.....	۹۷.....	درب میکده.....
۱۳۳.....	طوفان دل.....	۹۸.....	ریحانه.....

۱۶۸	ماه مهر	۱۳۴	طائر روح
۱۶۹	محراب عشقش	۱۳۵	طبع بلند
۱۷۰	ماه شعبان	۱۳۷	طبیعت سپاهان
۱۷۱	محفل یاران	۱۳۸	عروس یک شبه
۱۷۳	مصلحت آن است	۱۳۹	عزیز عزت خود شو
۱۷۴	مرحبا آن پیک	۱۴۰	عنایتی بنما
۱۷۶	مهریون	۱۴۱	علم و هنر
۱۷۶	مه نو	۱۴۱	عبیری خوشتر
۱۷۸	منطق ما	۱۴۲	عشق معشوق
۱۷۹	محفل عاشقان نشین	۱۴۴	عزم سفر
۱۷۹	مذارا کن	۱۴۵	عاشق گل
۱۸۱	میل کوبش	۱۴۵	غریبانه
۱۸۱	محضر دلجوی یار	۱۴۶	فال حافظ
۱۸۳	میل سخن	۱۴۷	فتح خرمشهر
۱۸۳	می ناب	۱۴۸	قسم به عشق
۱۸۵	نشان گوهر	۱۴۹	قطره از لب دریا
۱۸۵	نسیم صبح	۱۵۰	قرايه عشق
۱۸۶	نواي دل	۱۵۱	قصد رحیل
۱۸۸	نگین دولتش	۱۵۳	کوکب اقبال
۱۸۸	نظاره بر رخ معشوق	۱۵۳	کعبه دل
۱۸۹	نام خنثی	۱۵۴	کیمیا
۱۹۱	وصل وصال	۱۵۵	گلدسته عمر
۱۹۲	وصل روی دلدار	۱۵۶	گنج سعادت
۱۹۲	وصل دل	۱۵۷	گردم غلام
۱۹۳	ولی امر	۱۵۹	گردش چرخ
۱۹۴	وارث جنت	۱۵۹	لقای تو
۱۹۶	وصف جمال	۱۶۰	لوح دل
۱۹۶	هفته جنگ	۱۶۱	مهمان گل
۱۹۸	هروله	۱۶۲	منطق عشق
۱۹۹	همت والای خورشید	۱۶۴	مرحبا صد مرحبا
۲۰۰	هم زبان	۱۶۴	مستی مکن
۲۰۰	هفت شهر عشق	۱۶۶	ملیح ره
۲۰۱	هوای کوثر	۱۶۶	مکتب عشق
۲۰۳	یوسف من	۱۶۷	منت دیده

۲۳۶.....	میلاذ زهرا.....	۲۰۳.....	یاد بیضا.....
۲۳۷.....	نام مولایم علی (ع).....	۲۰۴.....	یاد عشق.....
۲۳۹.....	هدهد خوش سخن.....	۲۰۵.....	یاد گذشته.....
۲۴۰.....	یارب مدد نما.....	۲۰۷.....	یاد میعاد.....
۲۴۱.....	یوسف زهرا.....	۲۰۷.....	یک تصویر.....
۲۴۳.....	مرثیه.....	۲۰۹.....	یاد همیشه بیدار.....
۲۴۵.....	اسارت زینب.....	۲۰۹.....	یار سحر پوش.....
۲۴۶.....	ابر هاتم.....	۲۱۰.....	یارب مدد.....
۲۴۷.....	بشیر.....	۲۱۲.....	یارب الهی.....
۲۴۸.....	بیت الا حزان.....	۲۱۲.....	یاران و من و تو.....
۲۴۹.....	جان مولا.....	۲۱۳.....	یار و سوزند.....
۲۵۱.....	چگونه من روم شهر مدینه.....	۲۱۴.....	یاری عاشق.....
۲۵۲.....	دُر ناب.....	۲۱۶.....	یاد یار.....
۲۵۳.....	سلطان طوس.....	۲۱۶.....	یکه سوار سرمدی.....
۲۵۴.....	شب ظلمانی کوفه.....	۲۱۷.....	یگانه بقیع.....
۲۵۵.....	صفیر.....	۲۱۸.....	یا ایها السقانا.....
۲۵۶.....	طوفان کربلا.....	۲۲۰.....	یار رعنا.....
۲۵۷.....	طواف عشق.....	۲۲۱.....	مدحیه.....
۲۵۹.....	عرش خدا.....	۲۲۳.....	انتظار جمالش.....
۲۶۰.....	عدالت.....	۲۲۴.....	تو که خود ندای عشقی.....
۲۶۱.....	کاروان نینوا.....	۲۲۶.....	تیغ زمان.....
۲۶۲.....	گل ایثار.....	۲۲۷.....	جمکران.....
۲۶۳.....	مویه.....	۲۲۸.....	ریحان.....
۲۶۴.....	مجموعه عشق حسین (ع).....	۲۳۰.....	زهرا ی اطهر.....
۲۶۵.....	مادر مرو.....	۲۳۱.....	شاخه شمشاد.....
۲۶۶.....	نور عین.....	۲۳۲.....	غذیر خم.....
۲۶۸.....	وصیت.....	۲۳۳.....	کوکب.....
۲۷۰.....	هوای حسین.....	۲۳۴.....	محشری بر پا کنید.....
۲۷۱.....	دوییتی.....	۲۳۵.....	مهر علی.....

پیشگفتار

انسان همواره با نیروی سخن گفتن که عطیه است خدایی و فرموده انسان را آفریدیم و قوه تفکر و اندیشه و نطق به او عطا کردیم و با این عطیه از تمام موجودات جهان متمایز گردید می تواند تمام خواسته ها و نیات و افکار درونی خود را به دیگران از گو نموده و با اجتماع خود ارتباط برقرار کند. البته شاعر با به نظم کشیدن الفاظ تلاش بر این داشته تا دست بر عواطف بشر برده و تأثیر سخن را در روح و افکار و رفتار آن بیشتر نماید. لذا بسیاری از حالات روحی را به صورت ملموس به دست دیگران می سپارد و این است که او با شنیدن یک شعر به وجد آمده سرشک از دیدگان خود فرو می چکاند و با اینکه مسرور شده و با یک لبخند مسرت آمیز روح خود را شادی می بخشد.

به همین دلیل چون سخنان آهنگین و موزون با عواطف بشر گره خورده می توان بوسیله آن آئین نیکو و انسان ساز را رواج داد. شعر با انواع مختلفش نوعی فرهنگ می باشد و هنر پدیده ای است که از فرهنگ جامعه جدا نشدنی است و فرهنگ یک جامعه ارزش های معنوی و مادی آن جامعه را روشن و بیان می دارد لذا شاعر مایه سروده هایش را با مضامین مختلف و پر محتوا در قالب های تازه ای در راستای اعتلای روح و



فرهنگ اجتماع و اقتصاد آن بریزد تا تکامل فرهنگی که هر انسان هوشیار و بیداری در صدد تحصیل آن است به وجود آید و با این شیوه هم شاعر ارتباط بین خود و جامعه را بیان می‌دارد و مطالبی را با هم و خیال خود آمیخته و مخاطب را وادار به تفکر کرده و مخاطب نیز با خارج کردن مطالب از لایه لای الفاظ لذتی را پدید می‌آورد همانند لذت پدید آورنده آن.

خلاصه اینکه در سایه ارتباط بین شاعر و مخاطب شعر و فرهنگ و اتحادی که بین آنهاست هر عروس اندیشه به زیبایی شاه بیت‌های شاه داماد شعر توجیه ندارد بلکه به محتوا و معنای علمی و معنی آن نیز پی می‌برد. و شاعری که متعهد در برابر آنها و کمالات اعطائی از پروردگار می‌باشد می‌اندیشد و با اندیشه بلند الفاظ را به خدمت جان گرفته و فرزند حاصله از شعر خود را در اختیار عموم قرار داده و باعث پیشرفت علمی و معنوی در روح و جان و فکر شنونده می‌گردد و با نوآوری به مقابله با تهاجمات فرهنگی یگانه بر می‌خیزد و در راستای تبلیغ آن هیچ مضایقه‌ای از خود نمی‌کند. لذا عالم بزرگوار علامه ابن (قدس) در مدح و ستایش چنین شعری اینگونه می‌فرماید: شاعران مردان کازار بوده‌اند و هم قهرمانان پنه شعر و سخن، اینان با شمشیر و تیر سخن از مادی اسلام دفاع می‌کردند و با زبان در راه خدا جهاد می‌نمودند.

لذا شعرای واقع گرا و متعهد با بینش‌های مذهبی و اخلاق شعر می‌سرودند و از فرهنگ اصیل خود به دفاع بر می‌خواستند. برای مثال در دوران خفقان سلاطین جور چون بنی امیه و بنی العباس با سروده‌هایی چون قصیده فرزوق و مدارس آیات دعبل خزائی (قدس) پرده از تزویر و ریاکاری‌های آنان کنار می‌زدند و روح حقیقت را بر جان می‌دمیدند.

روایت شده در زمان خلافت عبدالملک مروان سالی پسرش هشام به حج رفته و وقتی به حجر الاسود رسید خواست استلام کند از کثرت

جمعیت نتوانست و کسی او را بزرگ نشمرد. آن وقت در مسجد الحرام
برای او منبری قرار دادند تا بر منبر رود.

اهل شام دور او را احاطه کرده بودند که به چشمش به سید الساجدین
افتاد. در حالی که ازار و ردایی در بر داشتند و صورتش چندان نیکو بود که
بترین مردم زمان و بویش از همه نیکوتر و پیشانی از آثار سجده پینه بسته
بود. شروع به طواف کعبه نمودند و چون به حجر الاسود رسید از مردم به
ملاحظه همت و حالات آن حضرت از دور حجر الاسود دور شدند تا آن
حضرت استلا نماید. هشام از ملاحظه این امر در غضب شد. مردی از اهل
شام چون این عظمت و جلالت را مشاهده کرد، از هشام پرسید: این مرد با
این آثار نیکو کیست که با ورودش مردم به کناری رفتند.

هشام برای اینکه مردم آن جناب را شناسند گفت: نمی شناسم.
در این هنگام فرزوق شاعر در آنجا حاضر بود و گفت: اگر هشام او را
نمی شناسد من او را خوب می شناسم.
مرد شامی گفت: کیست او یا ابا فراس؟
فرزوق گفت:

هذا الذي تعرف البطحاء وطاته والبيت به سمره والحل والحرام
که این ابیات بیش از چهل بیت است.

هشام در غضب شد، مستمری فرزوق را قطع نمود و دستور داد او را در غسغان
که مکانی است بین مکه و مدینه زندانی نمودند و او را تهدید به قتل نمود.
فرزوق به امام شکایت نمود. آن حضرت دعا کردند او را از زندان
خلاص نمود. فرزوق خدمت امام رسید و عرض کرد هشام نام مرا از دیوان
عطا حذف کرده.

حضرت فرمود: عطای شما چقدر بود؟ عرض کرد: فلان مقدار.
امام علیه السلام به مقداری که چهل سال او را کفایت کند به او عنایت نمود و

فرمودند اگر می‌دانستم تو به بیشتر از این محتاج می‌شوی بیشتر عطا می‌نمودم و چون چهل سال به پایان رسید فرزوق شاعر وفات یافت. پس اگر روح حقیقت‌بین و معنویت‌گرا در اشعار شاعران متبلور گردد با این صحبت خاص از طرف باری تعالی بر سروده‌هایشان محبوب دل‌ها می‌گردد چنان که گفته‌اند سخن چون از دل برآید لاجرم بر دل نشیند. در ادوار تاریخ نیز بزرگان دین نسبت به اشعار آنان بذل توجه داشته‌اند و با دادن صلوات، جایزه و دعا در حقشان از آنان قدردانی نموده‌اند. مانند کمیت بن زیاد که از شعرای واقع‌گرا بوده از صحابه امام محمد باقر (ع) امام جعفر صادق (ع) محبوب می‌شده است و در ازای شعری که برای ایشان سروده بود روزه فقه کردند و سه مرتبه او را دعا کردند: اللَّهُمَّ ارحم کمیت و اعقره.

امام صادق (ع) در این مورد فرموده‌اند: آن کس که به خاطر ما شعری بسراید به وسیله روح القدس تأیید و کمک می‌گردد. در روایت دیگر فرمودند: هر کس برای ما صاحبان حق و حقیقت یک بیت شعر بسراید خداوند برای او در بهشت خانه‌ای عطا می‌کند. پیامبر اکرم (ص) در تقدیر از کعب ابن مالک که در تقویت اسلام شعر می‌سرود فرمودند: «ان المومن یجاهد بنفسه و سببه و لسانه».

همانا مؤمن با جان و شمشیر و زبانش در راه خدا جهاد می‌کند. از انواع قالب‌های شعری که شاعران متعهد آن را سرودند، غزل و قصیده و قطعه، مثنوی و حتی دوبیتی‌هایی که همه سرشار از عشق به معبود و رسیدن به بالاترین درجه کمال می‌باشد. اشعاری موزون که شامل پند و اندرز و بیان مسائل اجتماعی می‌باشد که همه و همه به کمک و یاری انسان شتافته‌اند تا سریع‌تر بر دامنه رشد و کمال فردی و اجتماعی گام بردارد.

پس در این راستا وظیفه ماست که اشعار این شاعران را حفظ نموده و به آیندگان منتقل نماییم.

اینک دیوانی که در مقابل خود مشاهده می کنید سروده های یکی از شاعران متعهد می باشد که از سلاله پاک محمدی علیه السلام بوده و در هفتاد و اندی سال که پشت سر نهاد با عشق و محبت به آل الله در راه رسیدن به کمال قدم های بلندی برداشت و عمر شریف خود را صرف ابداع سخنانی موزون نمود که روح حق و حقیقت در آسمان اشعارش موج می زند که ان شاء الله مورد توجه عموم واقع گردد.

دیوان رفیع اصفهانی برگ سبزی است تحفه درویش که تقدیم می داریم به حضرت بقیه الله اعظم ارواحه القدا و امید آن داریم که حضرتش بر سر سفره کرم وجود خویش ایشان را مهمان و به احسن وجه از ایشان بپذیرد.

روحش شاد و راهش مستدام
والسلام



بیوگرافی:

شرح حال زندگی مرحوم حاج سید جواد رفیعی پدر شهید سید حسن رفیعی

حاج سید جواد رفیعی، پدر شهید سید حسن رفیعی متولد سال ۱۳۱۲ هجری شمسی در علویجهٔ اصنامان در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. پدر شریفش اهل علم و از روحانیان زمان خود و مادر بزرگوارش از زنان پاک ایران بود که فرزند را بر دامان پاکش پرورش داد و او را با عشق به پیامبر و ائمهٔ اطهار پرورد که با کمی دقت در اشعار ایشان این معنی به وضوح مشهود می‌باشد. در سنین کودکی همراه پدر و مادر و خانوادهٔ خود به کشور عراق مهاجرت نمود و با ازدواج روحانی با همسرش دارای چند فرزند گردید که یکی از آنها شهید سید حسن رفیعی می‌باشد. نیز تولد شهید سید حسن رفیعی در شهر نجف اشرف می‌باشد.

حاج سید جواد رفیعی و خانواده ایشان توفیق پیدا نمودند که مدت سی سال در جوار مرقدهٔ اسدالله غالب امیرالمؤمنین (علیه السلام) زندگی مشترک خود را آغاز نمایند اما متأسفانه با روی کار آمدن رژیم بعث عراق مجبور به مهاجرت به دیار خود ایران شدند. پس از مهاجرت به ایران و موج نهضت جمهوری اسلامی شهید سید حسن رفیعی فعالیت خود را برای به ثمر

برساندن انقلاب شروع نمود و مبارزات فراوانی کرد و با تشویق و مساعدت پدر و مادر قدم در راه هدفی عظیم گذاشت.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و شروع جنگ تحمیلی توسط عراق بعثی شهید فعالیت جدیدی را برای رسیدن به آرمان‌های عظیم الهی شروع نمود. ولی همواره این فعالیت‌ها هرگز مساعدت پدر و خواندن درس در کلاس‌های شبانه را فراموش نکرد. ایشان بعد از عزیمت به جبهه حق علیه باطل در تیرماه ۱۳۶۱ در شلمچه به درجه رفیع شهادت نائل گردید.

مرحوم حاج سید جواد رفیعی طبق روایت خویش وقتی که برای زیارت قبول متبرک شهادی اصفهان مشرف شده بود و بر مزار فرزند خویش فاتحه‌ای هدیه می‌کرد قطعه شعری به ایشان الهام شده که آن را نوشته بودند. و بعد از آن ایشان موفق به سرودن اشعار عرفانی و مدح و مرثیه ائمه اطهار، اشعاری خاص پیروزی انقلاب، جبهه و جنگ و شهادت و رهبر انقلاب نیز اشعاری که حاکی از پند و اندرز و مضامین اجتماعی می‌باشد شدند. به گفته خود ایشان این مهم از معجزاتی بود که بواسطه فرزندشان به صورت الهامات قلبی به ایشان منتقل می‌گردید. ضمن اینکه ایشان در حد خواندن و نوشتن سواد داشتند ولی به دلیل مطالعات فراوان و سفرهای زیادی که در طول زندگی انجام دادند از تجربیات و اطلاعات زیادی بهره‌مند شده بودند که موج تجربه در تک تک ابیات ایشان به وضوح قابل لمس می‌باشد.

مرحوم سید جواد رفیعی در سن ۷۴ سالگی در سال ۱۳۸۶ در شهر خود اصفهان دیده از جهان فرو بست و به دیار باقی شتافت.

روحش شاد